

بر الوالدين

نيکی به پدر و مادر

س ۳۷ هل يعتبر الإنسان عاقاً لوالديه وقاطعاً لرحمه إن تبرأ منهم إن لم يؤمنوا بالدعوة، أم ماذا عليه أن يفعل؟

پرسش ۳۷:

آیا اگر انسان از والدین خود که به دعوت ایمان نیاورده‌اند براءت جوید، عاق شده و والدین و قطع کننده رحم به شمار می‌رود؟ یا تکلیف او چیست و چه باید کند؟

ج/ الأولى بالمؤمن أن يحسن لأرحامه ويحاول هدايتهم بكل ما أمكنه. أما الوالدان بالخصوص فلا بد من الإحسان لهما وإن لم يؤمنا، قال تعالى: ﴿وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ لقمان: 15.

پاسخ:

بر مؤمن سزاوار است که نسبت به خویشانش نکویی پیشه کند و تا آنجا که می‌تواند در هدایت آنها بکوشد. در مورد والدین به‌طور خاص، حتماً باید با آنها به احسان رفتار کند حتی اگر مؤمن نباشند. خداوند متعال می‌فرماید: **((اگر آن دو به کوشش از تو بخواهند تا چیزی را که نمی‌دانی چیست با من شریک گردانی، اطاعتشان مکن. در دنیا با آنها به وجهی پسندیده زندگی کن و خود، راه کسانی را که به درگاه من بازمی‌گردند در پیش گیر. بازگشت همه شما به سوی من خواهد بود و من از کارهایی که می‌کرده‌اید آگاهتان می‌کنم))**(۱).

س ۳۸ أحد الأخوة الأنصار يتصرف مع أبيه تصرفاً سيئاً، والسبب هو أن أباه يشتمه ويتهمه بكثير من الأمور، وهو لا يتمالك أعصابه فيسيء لأبيه كثيراً، فطلب بيان الحل لمثل هذه المشكلة؟

یکی از برادران انصار با پدرش رفتار بدی دارد و علتش این است که پدرش به او دشنام می‌دهد و او را به تهمت‌های بسیاری متهم می‌نماید. او کنترل اعصابش را ندارد و با پدرش بسیار بد رفتاری می‌کند. درخواست راه‌حلی برای چنین مشکلی کرده است.

ج/ قال تعالی: ﴿وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ لقمان: 15، فلا بد له أن يعامل والده بالإحسان والرحمة، ولا يجوز له أن يتجاوز على والده، وإن كان والده يسيء له أو يؤذيه فليحاول هو أن يتجنب الاحتكاك بوالده وليحاول الابتعاد عن أي شيء يسبب التصادم بينهما، وإن اضطر فليحاول أن يقلل لقاءه بوالده إلى أقل ما يمكن حتى تتحسن العلاقة بينهما، والله ولي التوفيق.

پاسخ:

خداوند متعال می‌فرماید: ((اگر آن دو به کوشش از تو بخواهند تا چیزی را که نمی‌دانی چیست با من شریک گردانی، اطاعتشان مکن. در دنیا با آنها به وجهی پسندیده زندگی کن و خود، راه کسانی را که به درگاه من باز می‌گردند در پیش گیر. بازگشت همه شما به سوی من خواهد بود و من از کارهایی که می‌کرده‌اید آگاهتان می‌کنم))^(۲). این شخص باید با پدرش با نیکی و مهربانی رفتار کند. جایز نیست به پدرش توهین نماید؛ هرچند پدرش به او بدی کند یا او را بیازارد. باید از درگیر شدن با پدرش دوری کند و از هر چیزی که باعث برخورد بین ایشان می‌شود، اجتناب ورزد. اگر مجبور باشد باید دیدارش با پدرش را به کمترین حد برساند تا ارتباط بین ایشان نیکو گردد. خداوند توفیق‌دهنده است.

س ۳۹/ ما الحكم إن كان أبي لا يرید الكلام معي وهو غاضب مني، ولا أعلم إن كان يرید التبرؤ مني؛ لأنه علم أنني من المذهب الشيعي وهو من أهل السنة؟

پرسش ۳۹:

پدرم نمی‌خواهد با من سخن بگوید. او بر من خشمناک است و نمی‌داند که آیا می‌خواهد از من پرائت بجوید یا خیر؛ زیرا او فهمیده است که من شیعی مذهب هستم درحالی که او از اهل سنت می‌باشد. حکمش چیست؟

ج/ بر والدك، وحاوِلْ أَنْ تَرْضِيَهُ فِيمَا لَا يَضُرُّ بَدِينِكَ، قَالَ تَعَالَى: ﴿وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبِهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ لقمان: 15.

پاسخ:

با والدینت به نیکی رفتار کن و بکوش در آنچه که به دینت ضرر نمی‌زند، او را راضی و خشنود کنی. خداوند متعال می‌فرماید: (اگر آن دو به کوشش از تو بخواهند تا چیزی را که نمی‌دانی چیست با من شریک گردانی، اطاعتشان مکن. در دنیا با آنها به وجهی پسندیده زندگی کن و خود، راه کسانی را که به درگاه من بازمی‌گردند در پیش گیر. بازگشت همه شما به سوی من خواهد بود و من از کارهایی که می‌کرده‌اید آگاهتان می‌کنم).^(۳)

س ۴۰/ ما حکم تقبیل ید الوالدین أو أیدی الأطفال الصغار؟

پرسش ۴۰:

حکم بوسیدن دست پدر و مادر و دست بچه‌های کوچک چیست؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

* * *